

آنچه در مورد واقعه‌ی کربلا و قیام امام حسین (ع) مهم است پیام و دلایل قیام آن حضرت است که باید درس زندگی انسان‌ها در مسیر رسیدن به مقام بندگی پروردگار قرار گیرد و آن پیام والا همان است که خودش فرمود: «... من از روی سرکشی و ترویج زشتی‌ها به‌پا نخاسته‌ام فقط برای اصلاح در امت جدم آمده‌ام، می‌خواهم به نیکی‌ها راهنمایی کنم (امر به معروف) و از بدی‌ها بازدارم (نهی از منکر) و روش نیک نیایم و پدرم را در پیش گیرم...» (محدث قمی، نفس‌المهموم، ۳۸). امام (ع) در این سخن به‌طور آشکار فرمود که هدف من تشکیل حکومت اسلامی و راهبری مردم به سوی حق و عدالت است. در عین حال، هنگام بررسی ابعاد مختلف حادثه‌ی کربلا، از دلایل بزرگ و مهم قیام امام حسین (ع) که بگذریم، باید به بعضی جنبه‌های فرعی آن قیام نیز با نگاه صحیح نگریست.

برای مثال، بررسی تعداد شهدای کربلا یکی از همین جنبه‌های فرعی است که بیش از هزار سال مورد تحقیق و واکاوی مورخین قرار داشته است. شاید توجه جدی بسیاری از مورخین به این موضوع نه به دلیل صرفاً اعلام تعداد آن افراد، بلکه هدفشان روشن شدن صدق ماجرا و جدا شدن حق از ناصحیح و ناصواب بوده است. به نظر می‌رسد خود این موضوع، یعنی روشن شدن تعداد افراد و رزمندگان اسلام در ماجرای کربلا، به نوعی جدا کردن راه تاریخ صحیح از نقل‌قول‌های بی‌اساس یا سُست‌بنیان است.

آیا دانستن تعداد شهدای کربلا لازم است؟

می‌دانیم که ماجرای کربلا از جمله حوادثی است که با سخنان و نقل‌قول‌های ضعیف، سست و خرافی فراوانی درهم آمیخته و در بعضی موارد صورتی مبهم و خرافی از آن به دست خوانندگان داده است؛ تا جایی که دانشمندانی مثل شهید مطهری (ره) احساس خطر کرده و در «حماسه‌ی حسینی» داد سخن سر داده‌اند و به‌منظور تصحیح و خرافه‌زدایی از این قیام بزرگ گام‌های بزرگی برداشته‌اند. از دیدگاه قرآن کریم، موضوع مهم، دانستن هدف بزرگ کارهاست و این که اولیای خدا این عمل را برای چه انجام داده‌اند. مثلاً در نقل ماجراهای اصحاب کهف می‌فرماید: «و بدین سان دیگران را از حال ایشان باخبر گردانیدیم تا بدانند که وعده‌ی الهی راست و درست است و در قیامت تردیدی نیست، هنگامی که در میان خویش بگومگو کردند و... پروردگارشان به احوال آنان آگاه‌تر است... زود است که بگویند آنان سه تن بودند، چهارمین‌شان سگ‌شان بود و بگویند پنج تن بودند، ششمین‌شان سگ‌شان بود که همه از روی حدس و گمان است و گویند هفت‌تن بودند و هشتمین‌شان سگ‌شان بود. بگو پروردگار من به عده‌ی آنان داناتر است. هیچ‌کس، به‌جز معدودی، عده‌ی آنان را نمی‌داند.» (کهف/ ۲۱ و ۲۲)

چنان که می‌بینیم خداوند متعال ضمن برشمردن هدف والای اصحاب کهف و هدف بزرگ خود از این داستان - که همان حقایق قیامت و رستاخیز انسان‌هاست - به بحث تعداد آنان هم می‌پردازد و بعضی نظرات پیرامون تعداد ایشان را با قید «رَجْمًا بِالْغَيْبِ» می‌آورد

و مردود می‌داند، ولی پس از آن برای اثبات تعداد آنان که هفت تن بودند، عدد هفت را با «واو» می‌آورد تا بگوید نظر اخیر دارای ثبات علمی بیش‌تری است و این حدس و گمان نیست، آن‌گونه که نظرهای گذشته از روی ظن و گمان بوده است.

مرحوم علامه‌ی طباطبایی (ره) در این باره به نکته‌ی ظریفی اشاره کرده و فرموده است: «... بل دالّ علی أنّ عددهم لم یکن بأقلّ من سبعة... و هذه الواو سبعة و ثامنهم کلّهم... هی الّتی أدت بانّ الذین قالوا: سبعة... قالوه عن ثبات علم و طمأنینة نفس و لم یرجعوا بالظنّ کما غیرهم... و النبی (ص) کان علی علم من ذلک، فانّ قوله «ما یعلمهم» و لم یقل لا یعلمهم، یفید نفی الحال، فالاستثنا منه بقوله «الّا للیل» یفید الاثبات فی الحال و الالاتح منه علی الذهن أنّهم من اهل الکتاب» خلاصه‌ی فرمایش آن جناب این است که قطعاً عدد اصحاب کهف از هفت تن کم‌تر نبوده و این واوی که همراه سبعة آمده معلوم می‌کند که حدس و گمان نیست و از روی ثبات علمی و دقت بیان شده است... و پیامبر اسلام (ص) نیز عدد ایشان را می‌دانسته و برای همین قرآن از اصطلاح «ما یعلمهم» استفاده

پژوهشی درباره‌ی تعداد شهدای کربلا

محمد رضا دهدست

نزدیک
شدن به
تعداد صحیح
شهدای کربلا،
نوعی نزدیکی
به مواضع
صدق است و
این کار، راه را
برای نقل‌های
غیر صحیح
می‌بندد و
اذهان را
روشن می‌کند



کرده نه از کلمه‌ی «لا یعلمهم» و این نکته‌ی ادبی بسیار لطیف و زیبایی است. علاقه‌مندان می‌توانند به متن المیزان مراجعه نمایند (طباطبائی، المیزان عربی ۱۳/۲۶۷).

نتیجه آن که دانستن تعداد این جوان مردان از دیدگاه قرآن بحثی مهم است، اگرچه به‌طور فرعی و پس از طرح هدف بزرگ، به آن پرداخته شده است.

پس چنان‌که گفتیم نزدیک شدن به تعداد صحیح شهدای کربلا، نوعی نزدیکی به مواضع صدق است و این کار، راه را برای نقل‌های غیر صحیح می‌بندد و اذهان را روشن می‌کند.

مهم‌ترین نظرهای مورخین در مورد تعداد شهدای کربلا
نقل دانشمندان اسلامی درباره‌ی رزمندگان حق‌جوی کربلا، بسیار متفاوت و دور از هم است. عده‌هایی که در روایات مختلف آمده، گاه تفاوت را به چند صد نفر می‌رساند، اگرچه بعضی از روایات دلایل گفتر خویش را هم ذکر کرده و برخی دیگر استنادی ارائه نکرده‌اند.

در یک نگاه می‌توان در این مورد به پنج نظریه پرداخت:
۱. کسانی که تعداد شهدای کربلا را از ۵۰۰ نفر به بالا می‌دانند. از جمله مسعودی در مروج‌الذهب. نه با قاطعیت. تعداد ایشان را از ۵۰۰ نفر بیش‌تر می‌داند و معتقد است همین تعداد بلکه بیش از آن‌ها همراه امام حسین (ع) تا کربلا آمده‌اند و با این‌که تعدادی هم شب عاشورا از خدمت آن حضرت مرخص شده‌اند ولی در حدود چنین تعدادی در صحنه‌ی کربلا حاضر بوده‌اند. مضافاً آن‌که در ملاقات امام (ع) با حرّ ریاحی ۵۰۰ سوار و صد تن پیاده در رکاب آن جناب حاضر بوده‌اند.

۲. کسانی که تعداد ایشان را کمی بالاتر از ۱۰۰ نفر دانسته‌اند. عمار دهنی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که امام حسین (ع) پس از ملاقات با حر ریاحی و برپایی خیمه‌ها در کربلا ۴۵ سوار و ۱۰۰ تن پیاده به همراه داشته است.

این روایت حسن و موثق موجب شده که بزرگانی مثل ابن‌نمای حلی در مؤثیرالأحزان و محدث قمی در نفّس‌المهوم و ابن‌جویری و طبری هم این نظر را به واقعیت نزدیک‌تر بدانند.

۳. کسانی که تعداد شهدا را بین ۸۰ تا ۱۰۰ نفر دانسته‌اند. حصین بن عبدالرحمان از سعد بن عبیده. که از همراهان عمر سعد در صحنه‌ی کربلا بوده. نقل می‌کند که حسین (ع) را دیدیم که حدود صد همراه در اطراف وی بوده‌اند.

این قول اگرچه از زبان دشمنان امام (ع) بوده است ولی نمی‌تواند ناراست باشد زیرا دشمن در بیان آن منفعتی نداشته است.

این نقل موجب شده که خواری می‌معتقد شود که حسین (ع) هنگام خروج از مکه ۸۲ مرد به همراه داشته و با همان‌ها هم در صحنه‌ی کربلا حاضر شده است. هم‌چنین، مقّم در مقتل خویش این گزینه را ترجیح داده و در این کلام به مطالب ابن‌قولویه استناد کرده است.

۴. آنان که قول معروف ۷۲ نفر را برگزیده‌اند.

ابومخنف از ضحاک بن عبدالله مشرقی نقل می‌کند: ... در صبح عاشورا دیدم که حسین با ۳۲ سوار و ۴۰ پیاده جمعاً ۷۲ نفر - صفوف ارتش خود را می‌آراید... نقل این جملات موجب شده است که ابن شهر آشوب نیز در مناقب، این قول را بپسندد.

۵. کسانی که معتقدند یاران امام(ع) به ۷۲ نفر نمی‌رسیدند. از جمله یعقوبی است که می‌نویسد... با ۶۲ یا ۷۲ مرد از خاندانش و یاران آماده شد...

بررسی اجمالی اقوال

۱. قول اول یعنی بیش از پانصد نفر قولی نادر است و بزرگان دین به‌خصوص امامان ما در هیچ‌یک از سخنان‌شان به آن اشاره و استناد نکرده‌اند. علاوه بر آن، می‌دانیم قبل از رسیدن به کربلا و در شب عاشورا، تعداد زیادی از همراهان، امام(ع) را ترک کرده و از صحنه‌ی رویارویی با دشمن گریخته‌اند و این مطلب آن قدر روشن است که علمای عامه و امامیه، هر دو به آن اشاره کرده‌اند و با رفتن این تعداد، نمی‌توان پذیرفت که در روز عاشورا بیش از پانصد نفر امام را باری کرده باشند (در این باره نک محدث قمی، نفس‌المهموم، ۱۳۳).

۲. قول دوم را به دلایلی می‌توان قول صحیح‌تر دانست زیرا: الف) روایت عمار دهنی از امام باقر(ع) را از نظر سلسله‌ی روات، شخص راوی و قول معصوم(ع) می‌توان پذیرفت.

ب) این روایت به اقوال دیگری مثل فرمایش امام سجاد(ع) و حضرت رضا(ع) و... نزدیک‌تر است (مجلسی، بحار، ۴۴، ۳۹۴).

ج) فهرستی که توسط بسیاری از خبرنگاران حاضر در صحنه و راویان بعد از ایشان ارائه شده حاکی از صحت این‌گونه اخبار است.

۳. قول حصین را درباره‌ی تعداد ۸۰ تا ۱۰۰ نفر نیز نمی‌توان با قاطعیت رد کرد و اگرچه با فهرست زیارت ناحیه‌ی مقدسه و رجیبه مطابقت ندارد ولی به قول مختار ما نزدیک‌تر است. علاوه آن که دشمن در نقل تعداد یاران امام(ع) نمی‌توانست منفعتی داشته باشد و برای او تلافی نمی‌کرد.

۴. اما درباره‌ی قول ۷۲ نفر که یکی از ضعیف‌ترین اقوال و امروزه معروف‌ترین آن‌هاست، باید گفت که عدد ۷۲ از دیرباز نماد کثرت، تقدس و تنوع بوده است. مثل آن که وقتی می‌خواستند لشکر قدرتمند فلان شاه یا حاکم را توصیف کنند می‌گفتند لشکری است که ۷۲ فرمانده و افسر ارشد دارد!

محمد معین در فرهنگ فارسی‌اش می‌نویسد: عدد هفتاد و دو کنایه از تنوع و کثرت ملت‌ها یا... است. (اعلام ۲۲۸۱/۶). این‌گونه نمادها در ماجرای کربلا هم وارد شده و راویان که در ذهن‌شان چنین نمادهای ارزشی از قبل بوده است، آن را در توصیف یاران کربلا هم به کار گرفته‌اند.

جالب این است که ما اگر تعداد قطعی شهدای بنی‌هاشم را - که ۱۷ یا ۲۳ نفر بوده‌اند و به همراه امام(ع) ۱۸ یا ۲۴ نفر می‌شدند - با

لیست مشترک اسامی شهدای کربلا، که در اکثر اقوال راویان به‌طور مشترک پذیرفته شده‌اند، جمع کنیم یا بدون شهدای بنی‌هاشم، در هیچ صورتی ۷۲ نفر نمی‌شوند.

البته من نمی‌دانم خبرنگاری که در صحنه‌ی کربلا روی تپه‌ای ایستاده و در نقش بی‌طرف، وقایع را ثبت می‌کرد، آن هم با فاصله‌ای که از صحنه داشته و غوغایی که در کارزار برقرار بوده و شورش و اضطراب و جنگ و گریز موجود، چگونه توانسته تعداد قطعی یاران امام را ۷۲ بشمارد؟

اگرچه این سؤال درباره‌ی بقیه‌ی روایات و اعداد دیگر هم صدق می‌کند و مطرح است، مگر آن که معتقد باشیم بقیه‌ی روایات نیز تقریبی است و نمی‌توان روی هیچ نظری با قاطعیت اصرار نمود، و الله أعلم.

۵. قول کم‌تر از ۷۲ را نیز به سختی می‌توان مطرح کرد، زیرا: الف) از روایات نادر است.

ب) در سخن هیچ معصومی وارد نشده است. ج) با فهرست مشترک راویان نام‌دار - به‌ویژه فهرست مشترک امامیه - سازگاری ندارد و حتی مورد بحث بزرگان ما هم واقع نشده است و به آن اعتنایی نکرده‌اند.

در یک نگاه می‌توان در باره‌ی شهدای کربلا به پنج نظریه پرداخت:

۱. کسانی که تعداد شهدای کربلا را از ۵۰۰ نفر به بالا می‌دانند.
۲. کسانی که تعداد ایشان را کمی بالاتر از ۱۰۰ نفر دانسته‌اند.
۳. کسانی که تعداد شهدا را بین ۸۰ تا ۱۰۰ نفر دانسته‌اند.
۴. آنان که قول معروف ۷۲ نفر را برگزیده‌اند.
۵. کسانی که معتقدند یاران امام(ع) به ۷۲ نفر نمی‌رسیدند



معروف‌ترین فهرست اسامی شهدای کربلا الف) شهدای بنی‌هاشم (پس از نام مبارک حضرت سیدالشهداء، علیه‌السلام)

۱. علی بن الحسین (علی اکبر) ابوالحسن، ۲۷ ساله، مادرش لیلا دختر ابومرثبه عروقه‌بن مسعود ثقفی، اولین شهید بنی‌هاشم در کربلا
۲. عباس بن علی ابن ابی‌طالب، ابوالفضل، علم‌دار امام حسین(ع)
۳. عبدالله بن علی بن ابی‌طالب، برادر عباس، ۲۵ ساله
۴. جعفر بن علی بن ابی‌طالب، برادر عباس، ۱۹ ساله
۵. عثمان بن علی بن ابی‌طالب، برادر عباس، ۲۱ ساله
۶. محمدالاصغر بن علی بن ابی‌طالب
۷. عبدالله بن الحسین، طفل شیرخواری که شش ماه و اندی عمر داشت (علی اصغر)
۸. ابوبکر بن الحسن
۹. قاسم بن الحسن
۱۰. عبدالله بن الحسن، ۱۱ ساله
۱۱. عون بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب، پسر حضرت زینب
۱۲. محمد بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب، پسر حضرت زینب
۱۳. جعفر بن عقیل بن ابی‌طالب
۱۴. عبدالرحمان بن عقیل بن ابی‌طالب
۱۵. عبدالله بن مسلم بن عقیل
۱۶. عبدالله بن عقیل بن ابی‌طالب
۱۷. محمد بن (ابی) سعید بن عقیل بن ابی‌طالب
۱۸. ابوبکر بن علی

۱۹. عمر بن علی
۲۰. بشر بن الحسن
۲۱. عبیدالله بن عبدالله بن جعفر
۲۲. عون بن مسلم
۲۳. محمد بن مسلم

ب) بقیه‌ی شهدا

۲۴. ابراهیم بن الحزین الاسدی (الحزین)
۲۵. ابوالحرف بن الحارث الانصاری
۲۶. ادهم بن امیه العبدی
۲۷. اسلم ترکی، غلام امام حسین (ع) (سلیمان، سلیم)
۲۸. امّوهب بنت عبد، از قبیله‌ی نمرین قاسط، که پس از شهادت شوهرش عبدالله بن عمیر کلبی به شهادت رسید.
۲۹. امیه بن سعد الطائی
۳۰. انس بن حارث کاهلی (انس بن کاهل اسدی) صحابی رسول خدا (ص)، کاهلی منسوب به بنی کاهل از قبیله‌ی بنی اسد بن خزیمه
۳۱. انیس بن معقل اصبحی. اصبحی منسوب به الاصحاح تیره‌ای از قبایل قحطانی
۳۲. بربرین خضیر همدانی (بربرین حصین) همدانی‌ها از قبیله‌ی کهلان بودند.

۳۳. بشر بن عمرو حضرمی (بشر بن عمر حضرمی، بشر بن عبدالله حضرمی، محمد بن بشیر حضرمی) حضرمی‌ها از قبیله‌ی بنی حضرمی تیره‌ای از ظبی‌ها از یافع در ناحیه‌ی یمن بودند.
۳۴. بکر بن حی التیمی
۳۵. جابر بن حارث سلیمانی (جناده بن حرث سلمانی، حباب بن حارث سلمانی آزدی، حیان بن حارث) سلمانی قبیله‌ای از مراد از تیره‌ی مذحج بودند.
۳۶. جبلة بن علی شیبانی (جبلة بن عبدالله، جبلة بن علی) شیبانی‌ها وابسته به تیره‌ای از عرب عدنان بودند.
۳۷. جناده بن حارث انصاری (جناده بن حرث) منسوب به انصار از ناحیه‌ی یمن
۳۸. جندب بن حجیر خولانی (جندب بن حجر خولانی) خولان قبیله‌ای از کهلان از اعراب قحطانی بوده است.
۳۹. جون بن حوی، غلام ابوذر غفاری (جون بن ابی مالک)
۴۰. جون بن مالک ضبعی (حوی بن مالک ضبعی، جویر بن

مالک)

۴۱. حارث بن امر القیس الکندی
۴۲. حارث بن نهبان

۴۳. حباب بن الحارث
۴۴. حباب بن عام الشعبی
۴۵. حبشی بن قیس النهمی
۴۶. حبیب بن مظاهر اسدی (حبیب بن مظهر) از بنی اسد
۴۷. حبیب بن عبدالله نهشلی (ابی عمرو نهشلی)
۴۸. حجاج بن زید سعدی (حجاج بن بدر سعدی، حجاج بن یزید)
۴۹. حجاج بن مسروق جعفی (حجاج بن مرزوق)
۵۰. حرب بن یزید ریاحی یربوعی تمیمی
۵۱. حلاس بن عمرو راسبی (حلاس، حلاس بن عمرو هجری)
۵۲. حنظله بن اسعد شبامی (شیبانی)
۵۳. خالد بن عمرو بن خالد آزدی
۵۴. رافع، غلام مسلم آزدی
۵۵. زاهر، غلام عمرو بن حمق خزاعی (زاهد) گویا او جد محمد بن سنان است و وی از اصحاب امام هفتم و امام هشتم است.
محمد مهدی شمس الدین در کتاب «انصارالحسین» این نظر را ضعیف دانسته است.
۵۶. زهیر بن بشر خثعمی (زهیر بن سلیم آزدی، زهیر بن بشیر)
۵۷. زهیر بن قین بجلّی
۵۸. زید بن عریب الصائدی
۵۹. زید بن معقل جعفی (بدر بن معقل جعفی، منذر بن مفضل جعفی)

۶۰. سالم کلبی، از غلامان بنی مدینه
۶۱. سالم، غلام عامر بن مسلم عابدی
۶۲. سعد بن حنظله تمیمی (حنظله بن اسعد شبامی)
۶۳. سعد بن عبدالله، غلام عمرو بن خالد اسدی صیداوی (سعید)
۶۴. سعید بن عبدالله حنفی (سعد)
۶۵. سلمان بن مضارب البجلی
۶۶. سوار بن منعم بن حابس همدانی نهمی (سوار بن ابی عمیر نهمی، سوار بن ابی حمیر)
۶۷. سوید بن عمرو بن ابی مطاع خثعمی (عمرو بن ابی مطاع جعفی)

۶۸. سیف بن حارث بن سریع جابری (شیب بن حارث)
۶۹. سیف بن مالک عابدی (سیف بن مالک نمیری)
۷۰. شیب، غلام حارث جابری
۷۱. شوذب، غلام شاکر بن عبدالله همدانی شاکری (سوید)
۷۲. ضرغام بن مالک
۷۳. عائذ بن مجّم العائذی
۷۴. عابس بن ابی شیب شاکری (ابن شیب)
۷۵. عامر بن حسان بن شریح طائی (عمار بن حسان، عابر بن حساس)
۷۶. عامر بن مسلم
۷۷. عبّاد بن مهاجر الجهنی

اما درباره‌ی
قول ۷۲ نفر
که یکی از
ضعیف‌ترین
اقوال و امروزه
معروف‌ترین
آن‌هاست، باید
گفت که عدد
۷۲ از دیرباز
نماد کثرت،
تقدس و تنوع
بوده است



۱۱۴. مجتبی بن عبدالله عائذی مدحجی
 ۱۱۵. مسعود بن حجاج التیمی
 ۱۱۶. ابن مسعود بن حجاج (فرزند مسعود یاد شده در بالا)
 ۱۱۷. مسلم بن عوسجة الاسدی، صحابی رسول خدا(ص)
 ۱۱۸. مسلم بن کثیر ازدی اعرج (اسلم بن کثیر، سلیمان بن کثیر)
 ۱۱۹. مقسط بن زهیر التغلی
 ۱۲۰. منجیح، غلام امام حسین(ع)
 ۱۲۱. موقع بن ثمامة الاسدی
 ۱۲۲. نافع بن هلال جملی (بجلی) او همان است که برای آب آوردن به خیمه‌ها، عباس(ع) را همراهی می کرد.
 ۱۲۳. نصر، غلام امام علی(ع)
 ۱۲۴. نعمان بن عمرو راسی
 ۱۲۵. نعیم بن عجلان انصاری
 ۱۲۶. واضح رومی، غلام حارث سلمانی
 ۱۲۷. وهب بن عبدالله جناب کلبی (وهب بن عبدالله بن جناب، وهب بن وهب، وهب بن ام‌وهب)
 ۱۲۸. یحیی بن سلیم مازنی
 ۱۲۹. یزید بن حصین همدانی مشرقی قاری
 ۱۳۰. یزید بن زیاد بن مهاصر، ابوشعشاء کندی (ابن مهاجر)
 ۱۳۱. یزید بن نبیط (ثبیت عبدی، یزید بن ثبیت قیسی، بدر بن رقیط، بدر بن رقیط)
 ۱۳۲. یزید بن مغفل الجعفی
 تذکر: اسم مبارک شهیدان کوفه را (که قبل از عاشورای حسینی در کوفه به شهادت رسیده‌اند) جزو شهیدان معرکه‌ی کربلا حساب نکردیم، اگرچه در واقع همراه آنان‌اند.

– دلایل اختلاف در نام‌ها و تعداد شهیدان کربلا

۱. اشتباه و تشابه در ثبت و ضبط اسم‌ها به دلیل تنوع رسم الخط‌ها و همانند بودن کتابت بعضی اسامی به هم دیگر.
 بدیهی است کلماتی مثل یزید بن معقل و بدر بن معقل و مندر بن مفضل چه قدر به هم شبیه‌اند و هم‌چنین‌اند زهیر بن بشیر و زهیر بن بشر، زاهر و زاهد، شبامی و شبیانی، شبیب و سیف، شوذب و سوید، جنادة و کنادة، ضبیعة و مشبیعة، قرّة و فروة و عروة، مسلم و اسلم و سلیم و ده‌ها مثال دیگر.
 ۲. کم و زیاد شدن افراد و گروه‌هایی از جمع امام حسین(ع) و محاسبه شدن و نشدن بعضی دیگر. مثلاً به نقل خوارزمی در مقتل (۲۴۳/۱) حبیب بن مظاهر اسدی قبل از روز عاشورا به امام(ع) پیش‌نهاد می‌کند که به سوی بنی‌اسد در نزدیکی کربلا- برود و تعدادی از افراد آن قبیله را برای یاری امام بیاورد. امام این پیش‌نهاد را می‌پذیرد. حبیب به سوی ایشان می‌رود و حدود نود نفر را گرد می‌آورد و چون به سوی کربلا می‌آیند، عمر سعد با تعدادی از لشکرش راه را بر آنها سد می‌کند و بنی‌اسد از ترس شان درگیر نمی‌شوند و

۷۸. عبدالأعلی بن یزید الکلبی
 ۷۹. عبدالرحمان بن عبدالله بن کدر ارجبی (کدن)
 ۸۰. عبدالرحمان بن عبد انصاری خزرجی
 ۸۱. عبدالرحمان بن عبدالله یزنی (ازدی)
 ۸۲. عبدالرحمان بن عروة غفاری
 ۸۳. عبدالرحمان بن عروة بن حراق غفاری (بنی عروة بن حراق)
 ۸۴. عبدالله بن بشر خثعمی
 ۸۵. عبدالله بن عروة بن حراق غفاری (برادر عبدالرحمان یاد شده در بالا)
 ۸۶. عبدالله بن عمیر کلبی. او همان است که با همسرش ام‌وهب به کربلا آمد.

۸۷. عبدالله بن یزید بن نبیط (ثبیت) عبدی (ابن زید، رقیط)
 ۸۸. عبیدالله بن یزید بن نبیط (ثبیت) عبدی (برادر عبدالله یاد شده در بالا)
 ۸۹. عقبه بن سمعان
 ۹۰. عقبه بن الصلت الجهنی
 ۹۱. عمران بن کعب بن حارث اشجعی (عمران بن ابی کعب)
 ۹۲. عمار بن ابی سلامة دالانی
 ۹۳. عمار بن حسان بن شریح طافی
 ۹۴. عمارة بن صلح الازدی
 ۹۵. عمرو بن جنادة بن حارث انصاری (عمیر بن کناد)
 ۹۶. عمر بن جندب حضرمی (عمرو بن جندب)
 ۹۷. عمر بن خالد صیداوی (عمر بن خلف)
 ۹۸. عمرو بن عبدالله جندی
 ۹۹. عمرو بن ضبیعة ضبعی (عمر بن مشیعه)
 ۱۰۰. عمرو بن قرصة بن کعب انصاری (عمر بن کعب، عمران بن کعب)

۱۰۱. عمر بن عبدالله- ابو ثمامة الصائدی- (عمرو بن ثمامة صیداوی)
 ۱۰۲. عمرو بن مطاع جعفی
 ۱۰۳. عمیر بن عبدالله مدحجی
 ۱۰۴. قارب، غلام امام حسین(ع)
 ۱۰۵. قاسط بن زهیر (ظهیر) تغلی (قاسط بن عبدالله)
 ۱۰۶. قاسم بن حبیب ازدی (قاسم بن حارث کاهلی)
 ۱۰۷. قرّة بن ابی قرّة غفاری (عثمان بن فروة الغفاری، عثمان بن عروة)
 ۱۰۸. قعب بن عمرو نمری (نمری)
 ۱۰۹. کردوس بن زهیر تغلی (کرش بن ظهیر)
 ۱۱۰. کنانة بن عتیق تغلی
 ۱۱۱. مالک بن الدودان
 ۱۱۲. مالک بن عبد بن سریع جابری (مالک بن عبدالله جابری)
 ۱۱۳. محمد بن بشیر الخضرمی

از جمله دلایل اختلاف در نام‌ها و تعداد شهیدان کربلا می‌توان به مواردی اشاره کرد از جمله: اشتباه و تشابه در ثبت و ضبط اسم‌ها، کم و زیاد شدن افراد و گروه‌هایی از جمع امام حسین(ع) و محاسبه شدن و نشدن بعضی دیگر، ناشناس بودن بعضی افراد و یاران امام(ع)، اکتفا کردن به اعداد تقریبی و حدسی به دلیل شلوغی، درهم‌ریختگی و سختی معرکه‌ی درگیری و...





برمی‌گردند و حبیب هر طور شده، خود را به امام می‌رساند ولی دست خالی و...

یا موضوع ملحق شدن ۳۲ نفر از سپاه عمرسعد به امام (ع) در شب عاشورا، که سیدبن طاووس در لهوف از آن سخن گفته است و مجلسی آن را در بحار (۳۹۴/۴۴) نقل می‌کند، و این که آیا این‌ها غیر از آن صد و چند نفر بوده‌اند و به ایشان ملحق شده‌اند یا این که با این ۳۲ نفر، تعدادشان به صد و چند نفر رسیده است؟

۳. ناشناس بودن بعضی افراد و یاران امام (ع) و این که برای مورخین ممکن نبوده است که نام آن‌ها را بنویسند و در نتیجه جزو فهرست محسوب نشده‌اند و...

۴. شلوغ بودن، درهم ریختن و سختی معرکه‌ی درگیری و مشخص نبودن دقیق تعداد دوست و دشمن و اکتفا کردن به اعداد تقریبی و حدسی.

۵. اکثر مورخین و ناقلان ماجرا، از سپاه امام نبوده‌اند و به بعضی از آنان نمی‌توان اعتماد کرد یا حداقل بی‌طرف بوده‌اند و تنها می‌توان در بعضی جاها به آن‌ها اعتماد کرد ولی نه خیلی دقیق.

۶. دست‌به‌دست شدن بعضی منابع و روایات در طول قرن‌ها و استنساخ دستی از روی نسخه‌های قبلی و کم و زیاد شدن مطالب، جملات و بعضی اعداد در طول هزار و اندی سال که از این ماجرا می‌گذرد.

۷. ورود بعضی اخبار خرافی و جعلی از سوی دشمنان در مجموعه‌ی اخبار واقعی کربلا برای مخدوش کردن آن و تحریف این اقدام بزرگ از مسیر واقعی‌اش. کم نیستند اخبار اسرائیلیاتی که از روی کینه و دشمنی و با هدف عوض کردن صورت ماجرا ساخته و شایع کرده‌اند.

۸. حدس زدن و تخمین بعضی مورخین و ناقلان به جای تفحص و تحقیق دقیق و جست‌وجوهای علمی و مراجعه نکردن به متون و منابع دقیق‌تر و سالم‌تر، برای نوشتن و نگارش ماجرای کربلا.

مهم‌ترین منابع قابل اعتماد در شمارش شهدای کربلا

۱. روایاتی که از امامان شیعی در این باره نقل شده است و می‌توان نمونه‌های آن را در مقاتل الطالبیین ۸۵ و لهوف ۶۳ و مقتل خوارزمی ۳۷/۲ و... دید.

۲. گزارش‌های کسانی که خود شاهد عینی ماجرا بوده‌اند، مثل امام سجاده (ع) و اهل بیت امام (ع) در ضمن خطبه‌ها و عزاداری‌ها و...

۳. کسانی که جزو لشکر امام (ع) بودند ولی شهید نشدند، مثل عقبه‌بن سیمان غلام رباب، همسر امام (ع). که عمرسعد وی را دستگیر کرد و پرسید کیستی؟ گفت برده‌ای مملوک هستم، پس او را آزاد کرد و وی جزو شهیدان کربلا نبود (امین، لواعج الاشجان، ۹۱) یا طرم‌احبن عدی، که پس از شهادت امام (ع) صحنه را ترک کرد و رفت (محدث قمی، نفس المهموم، ۱۹۵) یا ضحاک‌بن عبدالله

مشرقی، که با امام (ع) شرط کرده بود تا وقتی که احساس کنم مفیدم می‌جنگم ولی اگر دریافتم که فایده‌ای ندارد، صحنه را ترک می‌کنم و امام (ع) پذیرفته بود و او صحنه‌ی جنگ را ترک کرد (طبری، تاریخ ۴۱۸/۵) و چند نفر دیگر مثل حسن بن الحسن بن علی (ع) معروف به حسن مثنی و...

۴. سربازان و گزارشگران دشمن که از آن‌ها می‌توان به حمیدبن مسلم (مفید، ارشاد، ۲۲۶) و هلال‌بن نافع (سید، لهوف، ۱۲۸) اشاره کرد. آن‌ها که حقایق را دیدند و نوشتند اما حق را یاری نکردند.
۵. افرادی که نه جزو لشکر امام حسین (ع) و نه لشکر یزید بودند و وقایع را نگاهشته‌اند. ابوسعید المقبری (دینار) را می‌توان از این گروه نام برد (ابومخنف، وقعة‌الطف، ۳۹).

منابع

۱. الرجال، محمدبن عبدالعزیز کُشی (قرن چهارم)، دانشکده‌ی هیات مشهد، ۱۳۴۸ش.
۲. الرجال، ابوالعباس احمدبن علی بن احمدبن عباس نجاشی (م ۴۵۰ ق).
۳. الرجال، محمدبن حسن طوسی (م ۴۶۰ هـ) مطبعة حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ق.
۴. الاخبار الطوال، ابوحنیفه‌ی دینوری (م ۲۸۲ ق)، مکتبه‌الحدیثیه، ۱۳۷۹ق.
۵. الارشاد، محمدبن محمدبن نعمان، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ق.
۶. اللهوف فی قتلی الطفوف، علی بن موسی بن طاووس (م ۶۶۴ ق) مطبعة حیدریه، ۱۳۸۵ق.
۷. اعیان الشیعه، سید محسن امین، نشر وزارت ارشاد، ۱۳۶۱ش و دارالتعارف بیروت، ۱۴۰۰ق.
۸. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) ج ۴۴، دارالتراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۹. تاریخ الرسل و الملوک، محمدبن جریر طبری، دارالمعارف، مصر، ۱۹۷۱م.
۱۰. تاریخ یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب (م ۲۹۲ ق)، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ش.
۱۱. الکامل فی التاریخ، ابن‌أثیر جزری، انتشارات علمی، بی‌تا.
۱۲. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خوئی، مدینه‌العلم، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مروج الذهب، ابوالحسن علی بن الحسن مسعودی (م ۳۴۶ ق) علمی فرهنگی، ۱۳۷۰ش.
۱۴. مثیر الاحزان، نجم‌الدین محمدبن جعفر، ابن‌نمای حلی (م ۶۴۵ ق) سنگی، تهران، ۱۳۱۸ق.
۱۵. مقتل الحسین (ع)، موفق‌بن احمد مکی خوارزمی، الزهراء، نجف، ۱۳۶۷ق.
۱۶. مقاتل الطالبیین، علی بن حسین بن محمد قرشی اموی مروانی، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق)، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۷۰ش.
۱۷. مناقب آل ابی‌طالب، محمدبن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی (م ۵۸۸ق)، مصطفوی، قم، بی‌تا.
۱۸. مقتل الحسین، لوط‌بن یحیی، ابومخنف (م ۱۵۷ق) نجف ۱۳۷۳ق و تهران، الاعلمی، ۱۳۶۶ش.
۱۹. نفس المهموم، محدث قمی، بصیرتی، قم، ۱۴۰۵ق.